

دکتر رابرت ای. پترسون، مکاشفه و کتاب مقدس، جلسه ۸، مکاشفه عمومی درونی رومیان ۱۲:۲-۱۶ و جامعه ۱۱:۳. مکاشفه عمومی در مشیت الهی، اعمال رسولان ۱۴:۱۴-۱۸ و ۲۲:۱۷-۲۹

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریس خود در مورد مکاشفه و کتاب مقدس. این جلسه ۸، مکاشفه عمومی داخلی، رومیان ۱۲:۲-۱۶ و جامعه ۱۱:۳ است. مکاشفه عمومی در مشیت الهی، اعمال رسولان و ۲۲:۱۷-۲۹ ۱۸-۱۴:۱۴.

پدر ما، ما از تو سپاسگزاریم که تو خدای سخنگو هستی، که طبق عبرانیان ۱:۱ و ۲، هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید در کلام خود سخن گفتی. ما از تو سپاسگزاریم که مکاشفه تو حتی بزرگتر از این است، که تو خود را در خلقت خود آشکار کردی و شریعت خود را بر قلب‌های بشر نوشتی.

ما را در حالی که به این چیزها فکر می‌کنیم، برکت ده. ما را در راه خود هدایت کن، و ما به واسطه عیسی مسیح، پروردگاران، دعا می‌کنیم. آمین.

ما به رومیان ۱۲:۲-۱۶ نگاهی انداختیم، که در آن صحبت از این است که خدا شریعت خود را بر قلب انسان نوشته است و حتی کسانی که شریعت موسی را ندارند، بدون کتاب مقدس، اثرات آن شریعت را در انجام کارهای درست و نادرست نشان می‌دهند و وجدان آنها در این امر نقش دارد. مانند سایر تفاسیر این متون کلیدی، اکنون به یادداشت‌ها می‌پردازم و خلاصه می‌کنم. خدا خود را در بشریت آشکار می‌کند.

خداوند خود را در آفرینش خود، وحی عمومی بیرونی خارج از ما در جهان، آشکار می‌کند. او همچنین خود را در وحی عمومی درونی که در درون ماست، در ذات ما، آشکار می‌سازد. بنابراین، ذات انسان وحیانی است.

انسان‌ها نه تنها مخلوق خدا هستند، بلکه در واقع، به هر دو معنا، وحی خدا نیز می‌باشند. زیرا باز هم، آن مرد در غار که سعی می‌کند از وحی عمومی بیرونی فرار کند، به دلیل نفس و ضریان قلب و غیره نمی‌تواند این کار را انجام دهد؛ حتی اگر بدن خود را حس کند، او یک وحی عمومی بیرونی از جانب خداست. به همین ترتیب رومیان ۱:۳۲، که دیدیم، می‌گوید اگرچه آنها حکم عادلانه خدا را می‌دانند که کسانی که چنین کارهایی را انجام می‌دهند، یعنی فهرست کاملی از گناهان، سزاوار مرگ هستند، اما نه تنها آنها را انجام می‌دهند، بلکه کسانی را که آنها را انجام می‌دهند، تأیید می‌کنند.

سپس در فصل ۲، پولس ریاکارانی را که چیزهایی را در زندگی دیگران تأیید نمی‌کنند اما خودشان همان کارها را انجام می‌دهند، محکوم می‌کند. پولس در اینجا در رومیان ۱:۳۲ و سپس ۱۲:۲-۱۶ تعلیم می‌دهد که همه انسان‌ها، چه نجات‌یافته و چه نجات‌نیافته، الزامات شریعت را بر قلب خود دارند. خداوند خواسته‌های اخلاقی خود را در درون ما آشکار می‌کند.

این مکاشفه عمومی درونی است. رومیان ۱۴:۲-۱۵، زیرا وقتی غیریهودییانی که شریعت ندارند، ذاتاً آنچه را که شریعت مقرر می‌دارد، انجام می‌دهند، برای خود شریعتی هستند، هرچند شریعت ندارند. آنها نشان می‌دهند که عمل شریعت بر قلبشان نوشته شده است، در حالی که وجدانشان نیز گواهی می‌دهد و افکار متضادشان آنها را متهم یا حتی تبرئه می‌کند.

طبق انجیل پولس، پولس می گوید که در روز داوری خدا، اسرار درونی ما در آیه ۱۶ آشکار خواهد شد. حتی قبل از اینکه مردم مسیح یا کلام او را بشناسند، گاهی اوقات ذاتاً کارهای شریعت را انجام می دهند. اگرچه غیریهودیان مجبور نیستند احکام را بپذیرند، اما الزامات خدا که بر قلب هایشان نوشته شده است، باعث می شود که آنها برای خودشان شریعت باشند.

آنها وحی عمومی درونی هستند. آنها آن را دارند، و خودشان همان هستند. آنها خودشان نوعی وحی اخلاقی خدا هستند.

اوه، این یا غیراخلاقی است یا غیراخلاقی. نه، غیراخلاقی نیست. به تناوب یا اخلاقی است یا غیراخلاقی.

به این دلیل است که ما موجوداتی اخلاقی هستیم. این بخشی از تصویر خداست. قانون کار می کند.

این خود را با قضاوت در مورد اعمال ما، با استفاده از معیار درونی که ما آن را وجدان نامیده ایم، ابراز می کند. وجدان ما گاهی اوقات برای متهم کردن و گاهی اوقات برای دفاع و توجیه اعمال ما کار می کند. احتمالاً وجدان ما مطابق با اصول اخلاقی درونی ما برای قضاوت در مورد رفتار ما کار می کند.

رومیان ۲:۱۵. همه ما الزامات اخلاقی خدا را به خوبی می دانیم. می دانیم که اعمال گناه آلود ما اشتباه و شایسته داوری خدا هستند. ۱:۳۲. می بینید، اگرچه پولس تا رومیان ۲:۱۴ و ۱۵ درباره شریعت خدا بر قلب صحبت نمی کند، اما در ۱:۳۲ وقتی می گوید، فرض بر این است که اگرچه آنها حکم عادلانه خدا را می دانند، کسانی که چنین کارهایی را انجام می دهند سزاوار مرگ هستند.

این از تأثیرات شریعت نوشته شده بر قلب سخن می گوید. آنها چگونه حکم عادلانه خدا را می دانند که گناهی که همین الان با جزئیات کامل، در یک فهرست بزرگ فهرست شده اند، مستحق مرگ هستند؟ به دلیل شریعت خدا که بر قلب نوشته شده است. بنابراین، ۱:۳۲ رومیان، ۲:۱۴ و ۱۵ را پیش فرض می گیرد.

چه صفاتی از خدا به این طریق، در این وسیله‌ی مکاشفه‌ی عمومی درونی، آشکار می شوند؟ سوال بسیار خوبی است. این مکاشفه‌ی عمومی درونی، صفات تقدس و عدالت خدا و عمل داوری او را آشکار می کند. آیه‌ی ۳۲ از ۱. این مکاشفه‌ی عمومی درونی توسط همه مردم شناخته شده است و پیامدهایی برای متن دارد.

این [احساس] سرکوب و منحرف می شود، به طوری که مردم تمایل دارند الزامات اخلاقی را در قضاوت دیگران، اعمال کنند، در حالی که خودشان را برای همان گناهان توجیه می کنند، همانطور که در ریاکاری فصل‌های ۲ تا ۳ مشهود است. بنابراین، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین مکاشفه عمومی درونی و بیرونی وجود دارد ۱. بزرگترین شباهت این است که هر دو گونه‌ای از مکاشفه عمومی هستند. همه زیر آفتاب هستند.

هر کسی شریعتی از خدا را بر قلب خود دارد. همچنین از این نظر که هر دوی این وحی‌ها مؤثرند، مشابه هستند. وحی عمومی بیرونی خدا به مردم می رسد، وحی عمومی درونی او نیز، همانطور که از عملکرد وجدان انسان مشهود است، به همین صورت عمل می کند.

نه، اینطور نیست! کسی می گوید، از اینکه کسی به او بدی کرده، آزرده شده است. این نتیجه‌ی شریعت خداست که بر قلبش نوشته شده است. آنها از این نظر متفاوت هستند.

وحی خدا در خلقتش در خارج از ما، جلال، زیبایی، قدرت و حکمت او را نشان می‌دهد، اما تقدس او را نه امرسون گفت که طبیعت از دندان و چنگال سرخ است. وقتی شیر بز کوهی را می‌خورد، آیا شیر گناه می‌کند؟ نه، ربطی ندارد.

شیرها و بزهای کوهی به تصویر خدا ساخته نشده‌اند. شریعت خدا بر قلب آنها نوشته نشده است. بنابراین، برخلاف مکاشفه عمومی بیرونی، مکاشفه عمومی درونی، قدوسیت خدا را آشکار می‌کند، البته از زمان سقوط عدالت و کار داوری او به طور ناقص.

اعمال خدا عبارتند از خلقت، مشیت، رستگاری و کمال، که شامل داوری نیز می‌شود. یک متن دیگر که اغلب نادیده گرفته می‌شود. جامعه، باور کنید یا نه، ۳۱۱

خدا هر چیز را در زمان مناسبش مقدر کرده است. او همچنین ابدیت را در دل‌های آنها نهاده است. اما هیچ کس نمی‌تواند کار خدا را کشف کند.

هیچ کس نمی‌تواند کاری را که خدا از ابتدا تا انتها انجام داده است، کشف کند. چیزی در درون ما برای چیزهای ابدی دست دراز می‌کند. سی. اس. لوئیس این را حتی در کودکی نیز توصیف کرد.

او این حس را داشت که واقعیت بزرگ‌تری در انتظارش است. این واقعیت از او دور بود، اما گاهی اوقات احساس می‌کرد که در آستانه‌ی آن است. اما گریزان بود، و با این حال وجود داشت.

و شادی ایجاد کرد، اما سپس محو شد، و مانند آن، چیزی در درون ما برای چیزهای ابدی دست دراز می‌کند. کارگر از زحمت خود چه ESV با این حال، همانطور که پایان آیه نشان می‌دهد، من می‌خواهم سودی می‌برد؟ من کسب و کاری را که خدا به فرزندان انسان داده است تا شاد و مشغول آن باشند، دیده‌ام.

او هر چیز را در زمان خودش زیبا آفریده است. همچنین، ابدیت را در دل انسان نهاده است، اما او نمی‌تواند آنچه را که خدا از ابتدا تا انتها انجام داده است، دریابد. من دریافته‌ام که برای آنها چیزی بهتر از این نیست که تا زمانی که زنده هستند، شاد باشند و کارهای نیک انجام دهند.

همچنین، هر کس باید بخورد و بیاشامد و از تمام زحمات خود لذت ببرد. این موهبتی است که خدا به انسان داده است. بنابراین، ما در قلب خود حس ابدیت داریم.

خداوند خود را به این شکل بر ما آشکار کرده است، و با این حال این امر دست‌نیافتنی است. همانطور که در پایان آیه اشاره می‌شود، ما در آرزوی ابدیت ناکام مانده‌ایم زیرا نمی‌توانیم نقشه خداوند را به طور کامل درک این نقل قول را دارد: دنیای زیبا اما وسوسه‌انگیز خداوند برای NIV کنیم. یادداشتی در کتاب مقدس مطالعه ما بسیار بزرگ است، اما رضایت‌های آن بسیار کوچک است.

از آنجایی که ما برای ابدیت ساخته شده‌ایم، چیزهای مربوط به زمان نمی‌توانند به طور کامل و دائمی ارضا شوند. بار دیگر، دنیای زیبا اما وسوسه‌انگیز خدا برای ما بسیار بزرگ است، اما رضایت‌های آن بسیار کوچک است. از آنجایی که ما برای ابدیت ساخته شده‌ایم، چیزهای مربوط به زمان نمی‌توانند به طور کامل و دائمی ارضا شوند.

در جامعه ۳:۱۱. در واقع، با انجام این سخنرانی و فکر کردن به این موضوع، این NIV مطالعه کتاب مقدس آیه ممکن است به مکاشفه عمومی خارجی نیز مربوط باشد. مطمئناً به اخلاق مربوط نمی‌شود. بلکه به آگاهی انسان مربوط می‌شود.

حدس می‌زنم جایی است که به آن تعلق دارد. آگاهی از تعالی، میل به ابدیت، اما ناتوانی در درک آن چیزی که ما از آن آگاهی جزئی داریم. خدا خود را آشکار می‌کند، اوه، در پسرش و در کلامش و در معجزات، و بعداً خواهیم دید، در رؤیایها و انواع چیزهای خوب، در قرعه‌کشی در عهد عتیق.

این مکاشفه خاص است که گاهی اوقات در بعضی مکان‌ها فقط به برخی افراد داده می‌شود. اما مکاشفه عام همیشه به همه مردم در همه مکان‌ها داده می‌شود. و ما سه زیرمجموعه داریم.

ضمناً، این به طور سنتی صادق است. وحی در خلقت خدا به اصطلاح وحی عمومی خارجی است. دسته‌بندی‌های بزرگ، وحی عمومی و خاص.

به طور کلی، در خلقت، در قلب انسان، در مشیت الهی. ما دو مورد اول را انجام دادیم، وحی عمومی بیرونی در خلقت، وحی عمومی درونی در شریعت که بر قلب و وجدان نوشته شده است، و سپس اکنون وحی خدا در مشیت الهی یا تاریخ. وحی عمومی خدا در خلقت، وجدان و همچنین مشیت الهی آشکار می‌شود.

خداوند بسیاری از ویژگی‌های خود را با عمل مشیت الهی در تاریخ آشکار می‌کند. اعمال رسولان ۱۴. آیات و ۱۷ اعمال رسولان گواه این مدعا است ۱۴.

برای درک بهتر موضوع، به آیه ۸ در اعمال رسولان ۱۴ برمی‌گردیم. در لستره، مردی نشسته بود که نمی‌توانست از پاهایش استفاده کند. او از بدو تولد فلج بود و هرگز راه نرفته بود. او به سخنان پولس گوش می‌داد و پولس با نگاه دقیق به او و دیدن اینکه ایمان شفا یافتن را دارد، با صدای بلند گفت: «بر پاهایت می‌بایست راست بایست.»

و او از جا پرید، مرا شگفت‌زده کرد، نه فیزیوتراپی، نه مربی. و او از جا پرید و شروع به راه رفتن کرد. و وقتی جمعیت دیدند که پولس چه کرده است، صدای خود را بلند کردند و به زبان لیکونیایی گفتند: خدایان به شکل انسان نزد ما آمده‌اند.

من همچنین سال‌های زیادی در دو مدرسه علمیه انجیلی مختلف تدریس کردم. و گاهی اوقات، وقتی روز دعا داشتیم، از این قبیل چیزها، دانش‌آموزان به صورت گروهی جمع می‌شدند، و بارها، دانش‌آموزانی از قومیت‌های خاص دور هم جمع می‌شدند و با هم صحبت می‌کردند. و اگرچه می‌توانستند از انگلیسی استفاده کنند، اگر زبان اولشان، اگر زبان مادری‌شان زبان دیگری بود، به آن زبان دعا می‌کردند.

و اینجا هم همینطور است. این افراد می‌توانستند حرف‌های پولس و برنابا را بفهمند، نه به این خاطر که پولس و برنابا به زبان لیکونی صحبت می‌کردند، بلکه به این دلیل که آنها این زبان را بلد نبودند. همه آنها به زبان یونانی معمولی و رایج صحبت می‌کردند.

اما وقتی این افراد از این شفا هیجان‌زده شدند، به آن زبان ابراز خوشحالی نکردند. آنها به زبان مادری خود ابراز خوشحالی کردند.

من عضوی از یک گروه تبلیغی در اوکراین هستم. ما دو مترجم فوق‌العاده داریم، یانا و ناتاشا، و انگلیسی آنها خوب است. گاهی اوقات، ناتاشا انگلیسی من را اصلاح کرده است.

من تعدادی کتاب و غیره نوشته‌ام. خدای من. بیشتر شبیه این است که من دنبال یک کلمه می‌گردم و او آن را به من می‌دهد.

او (زن آن را فراهم می‌کند. ای وای. اما من از یانا پرسیدم، که اخیراً یک دوره آموزشی را برای من ترجمه کرد. وقتی دعا می‌کنی، به چه زبانی می‌توانی دعا کنی؟ او می‌گوید، خب، من می‌توانم به انگلیسی دعا کنم. تو به چه زبانی دعا می‌کنی؟ او می‌گوید اوکراینی. منطقی است.

این زبان مادری توست. زبانی است که اول از همه، در کودکی، یاد می‌گیری. خدایان به شکل انسان بر ما نازل شده‌اند.

بارنابا را زئوس صدا می‌زدند. چرا؟ او مسن‌تر بود. من او را با ریش بلند مردانه، یک مرد مسن‌تر تصور می‌کنم.

اون پادشاه خدایانه. اون زئوسه. رفیق، پاول سخنرانه.

او واعظ بزرگی است، درست است؟ و پولس، او را هرمس صدا می‌زدند. اگر پانتئون‌هایتان را عوض می‌کردید، مرکوری را انتخاب می‌کردید چون او سخنران اصلی بود. و کاهن زئوس، می‌بینید، پولس و برنابا قونیه را نمی‌فهمیدند، اما زبان بدن را می‌فهمیدند.

وقتی کاهن زئوس شروع به قربانی کردن برای آنها کرد، آنها خیلی سریع پیام را دریافت کردند. کاهن زئوس که معبدش در ورودی شهر بود، گاوها و حلقه‌های گل را به دروازه‌ها آورد و می‌خواست برای جمعیت قربانی کند اما وقتی رسولان، برنابا و پولس، از این موضوع باخبر شدند و آن را دیدند، بدون شک، لباس‌های خود را دریدند و به میان جمعیت هجوم بردند و فریاد زدند: «ای مردم، چرا این کارها را می‌کنید؟» می‌بینید، وقتی پولس به مدرسه الهیات تارسوس رفت، البته دوره‌هایی در مورد مأموریت‌های مذهبی داشت.

بله، دارم مسخره می‌کنم، اما او هیچ‌وقت در مورد اینکه وقتی به یک مراسم عبادت دعوت می‌شوید چه کار می‌کنید، و شما خدا هستید، توضیحی نداده است. در انزجار به عنوان یهودیان خوب، امیدوارم لباس اضافی داشته باشند؛ آنها ردای خود را پاره کردند. آقایان، چرا این کارها را می‌کنید؟ ما هم انسان هستیم.

ما نیز مانند شما، انسان‌هایی فانی هستیم. و ما به شما مژده می‌دهیم که از این چیزهای بیهوده روی برگردانید و به سوی خدای زنده‌ای روی آورید که آسمان و زمین و دریا و هر آنچه در آنهاست را آفریده است. این‌ها گواهی بر خالق بودن خدا هستند.

شما می‌گویید این وحی عمومی بیرونی است، درست است؟ بله، اما فراتر از آن است. در نسل‌های گذشته، او به همه ملت‌ها اجازه داد تا به راه خود بروند، اما خود را بدون شاهد نگذاشت. او به ملت‌ها اجازه داد تا به راه خود بروند، یعنی بدون اینکه آنها را تنبیه کند، بدون اینکه آنها را به محکومیتی که شایسته آن بودند محکوم کند.

او آنها را تحمل کرد تا زمان بیشتری برای آمدن مسیح، انتشار انجیل و غیره داشته باشد. با این حال، خدا خود را بدون شاهد نگذاشت. این، باز هم، لیتوتس است، انکار منفی برای تأیید مثبت.

خدا بر خود شهادت داد، زیرا با بخشیدن باران از آسمان و فصل‌های پر بار، و سیر کردن دل‌های شما با غذا و شادی، نیکویی کرد. آیا خدا نیکو نیست؟ همه ما از هم‌نشینی با یکدیگر لذت می‌بریم. حتی با این سخنان، به سختی می‌توان مردم را از تقدیم قربانی به آنها باز داشت.

خیلی عجیب خواهد بود. خلاصه کتبی، اعمال رسولان ۱۴: ۱۴ تا ۱۸. در اعمال رسولان ۱۴، پولس و برنابا در اولین سفر تبلیغی خود به لستره می‌روند.

به گفته پولس، مردی که از بدو تولد لنگ بوده، از جا می‌پرد و شروع به راه رفتن می‌کند، آیات ۸ تا ۱۰. مردم پولس و برنابا را به ترتیب خدایان هرمس و زئوس اعلام می‌کنند. حواریون زبان لیکانیایی مردم را نمی‌فهمند، اما زبان بدن کاهن زئوس وقتی که برای قربانی کردن گاو به آنها نزدیک می‌شود، غیرقابل انکار است.

در پاسخ، پولس و برنابا با انزجار لباس‌های خود را پاره می‌کنند و این بار از کتاب مقدس استاندارد مسیحی فریاد می‌زنند: ای مردم، چرا این کارها را می‌کنید؟ ما نیز مانند شما انسان هستیم. و ما به شما مژده می‌دهیم که از این چیزهای بی‌ارزش به سوی خدای زنده‌ای که آسمان، زمین، دریا و هر آنچه در آنهاست را آفریده است، روی آورید. در نسل‌های گذشته، او به همه ملت‌ها اجازه داد تا به راه خود بروند.

اگرچه او خود را بدون شاهد نگذاشت، اما با بخشیدن باران از آسمان و فصول پر بار و پر کردن شما از غذا و شاد کردن دل‌هایتان، آنچه نیکوست را انجام داد. باز هم، رومیان ۱۵: ۱۴ تا ۱۷. خدا، خالق، در مشیت خود، نه تنها در خلقت، نه تنها در شریعت و قلب، بلکه در تدبیر نیز بر خود شهادت می‌دهد.

در آیه ۱۷، در نظم بخشیدن به زندگی و تاریخ، یک وحی کلی از جانب خدا وجود دارد. به طور خاص، او خود را در اعمال مشیت الهی خود، یعنی دادن باران برای رشد محصولات و میوه‌ها برای ارضای نیازهای جسمی و روحی ما، و البته از قلم نیندازید، و در آیه ۱۷، در مورد نیازهای عاطفی ما، شهادت می‌دهد. این، وجود خدا، نقش او به عنوان خالق، که در آیه ۱۵ به صراحت آمده است، و سخاوت او را آشکار می‌کند.

منظور ما از خوبی به عنوان یک اصطلاح کلامی همین است. صفت خوبی خدا به معنای سخاوت اوست. اینطور نیست. خوبی به معنای تقدس نیست، به معنای خوبی در مقابل بدی نیست.

من واقعاً اصطلاح سخاوت را دوست دارم. خیرخواهی یکی دیگر از اصطلاحات رایج است. و سخاوت، نیکی و خیرخواهی او نسبت به همه مردم.

توجه داشته باشید که این یک مکاشفه عمومی است. همانطور که عیسی گفت، پدر مهربان خداوند، نیکویی خود را با باران دادن به کشاورزان نجات یافته و نجات نیافته نشان می‌دهد. زمان این مکاشفه مستمر است و فصل به فصل بیان می‌شود.

و گستره‌ی این وحی جهانی است. هر جا که باران، غذا و شادی وجود داشته، خدای آنها سخاوت و مهربانی خود را آشکار کرده است، فقط به فکر نجات مهربانی نباشید، بلکه به خوبی و خیرخواهی خود فکر کنید. او خدای خوبی است و به همه مردم هدایای خوبی می‌دهد.

نه تنها آسمان و قلب انسان با نشانه‌های اخلاقی‌اش، بلکه سبزیجات، میوه‌ها، غذا، رفاقت و شادی. به همین ترتیب، کتاب اعمال ۱۷ نیز متن اثبات معروف دیگری برای وحی خدا، وحی عمومی خدا در تاریخ یا مشیت الهی است. زمین، پولس در آتن، ۱۷۱۶.

در حالی که پولس در آتن منتظر آنها، سیلاس و تیموتاوس، بود، روحش در درونش آشفته شد زیرا دید که شهر پر از بت است. بنابراین، او در کنیسه با یهودیان و افراد متدین و هر روز در بازار با کسانی که اتفاقاً آنجا بودند، بحث می‌کرد. برخی از فیلسوفان اپیکوری و رواقی نیز با او گفتگو می‌کردند و برخی می‌گفتند: این یاهوگو چه می‌خواهد بگوید؟ برخی دیگر می‌گفتند: او به نظر می‌رسد واعظ خدایان بیگانه است زیرا عیسی و رستاخیز را موعظه می‌کرد.

در اعمال رسولان، در اول قرن‌تین ۱۵، قرن‌تین به مرگ و رستاخیز عیسی اعتراف کردند که مسیحی هستند، اما با رستاخیز مردگان مشکل داشتند. دلیلش این است که آنها اجساد را دیده بودند و اشتباه تصور می‌کردند؛ این اجماع محققان مکاتبات قرن‌تین است؛ آنها به اشتباه فرض کرده بودند که رستاخیز شامل زنده شدن اجساد چیزی شبیه زامبی‌ها، خواهد بود و آنها نمی‌توانستند با این موضوع کنار بیایند. نه، پولس می‌گوید، مفهوم کلیدی در رستاخیز، دگرگونی است.

بنابراین، وقتی پولس از رستاخیز صحبت می‌کند، افلاطون و ارسطو به جاودانگی روح اعتقاد داشتند، اما نه به رستاخیز، که فقط یک، اوه، بدن‌های فرسوده‌ای بودند که زنده می‌شدند، اوه، این وحشتناک است. و او را گرفتند و به آریوپاگوس آوردند و گفتند، آیا می‌توانیم بدانیم این تعلیم جدید شما چیست؟ زیرا چیزهای عجیبی را به گوش ما می‌رسانند. بنابراین، ما می‌خواهیم بدانیم که این چیزها به چه معناست.

حال، تمام آتی‌ها و خارجی‌هایی که آنجا زندگی می‌کنند، وقت خود را صرف چیزی جز گفتن یا شنیدن چیزهای جدید نمی‌کنند. اکنون درست به متن خود نزدیک می‌شویم. پولس خطاب به مجمع آریوپاگوس صحبت می‌کند.

پس پولس در میان آریوپاگوس ایستاد و گفت: ای مردان آتن، من شما را از هر نظر بسیار دیندار می‌دانم، زیرا وقتی در اطراف می‌گشتم و به پرستشگاه‌های شما می‌نگریستم، قربانگاهی نیز یافتم که این کتیبه بر آن نقش بسته بود، برای خدای ناشناخته. پس آنچه را که شما به عنوان ناشناخته می‌پرستید، من به شما اعلام می‌کنم. خدایی که جهان و هر آنچه در آن است را آفرید، چون پروردگار آسمان و زمین است، در معابد ساخته دست بشر ساکن نیست و به دست بشر خدمت نمی‌شود، چنانکه گویی به چیزی نیاز دارد، زیرا خود به همه بشریت حیات و نفس و همه چیز می‌بخشد.

و او هر ملتی از بشر را از یک انسان آفرید تا در تمام سطح زمین زندگی کنند، و زمان‌های معین و مرزهای محل سکونت آنها را تعیین کرد، تا خدا را جستجو کنند و شاید راه خود را به سوی او پیدا کنند. با این حال، او در واقع از هیچ یک از ما دور نیست، زیرا او از یکی از شاعران بت‌پرست آنها، یکی از شاعران بت‌پرست آنها نقل قول می‌کند؛ ما در او زندگی می‌کنیم و حرکت می‌کنیم و وجود داریم، همانطور که حتی برخی از شاعران خودتان گفته‌اند، زیرا ما در واقع فرزندان او هستیم. گمان می‌رود که این نقل قول‌ها از اپیمنیدس باشد.

اولی قطعی نیست، اما ما فکر می‌کنیم که دومی از آراتوس است. این یکی قطعی‌تر است. پس ما که فرزند خدا هستیم، نباید فکر کنیم که موجود الهی مانند طلا یا نقره یا سنگ است، تصویری که با هنر و تخیل انسان ساخته شده است.

در دوران جاهلیت، خدا از این امر غافل بود، اما اکنون به همه مردم در همه جا فرمان توبه می‌دهد، زیرا روزی را تعیین کرده است که در آن جهان را به عدالت به وسیله مردی که خود منصوب کرده است، داوری خواهد کرد. و با برانگیختن او از مردگان، به همه ما در این مورد اطمینان داده است. اکنون، وقتی از رستاخیز مردگان «شنیدند، برخی مسخره کردند، اما برخی دیگر گفتند:» ما دوباره در این مورد از تو خواهیم شنید

بنابراین، پولس از میان آنها بیرون رفت، اما برخی از مردان به او پیوستند و ایمان آوردند، از جمله دیونیسیوس آریوپاگیتی، زنی به نام داماریس و دیگران با آنها بودند. بنابراین، پولس در کنیسه آتن صحبت کرده بود، اما او همچنین با آتی‌ها در بازار صحبت کرد، در مکانی که فیلسوفان برای فلسفه‌ورزی و همانطور که لوقا در اعمال رسولان به ما می‌گوید، برای شنیدن چیز جدیدی به آنجا می‌رفتند. پولس تأیید می‌کند که خدا به همه انسان‌ها زندگی، نفس و هر چیز دیگری می‌دهد.

بار دیگر، خالق بودن خدا، اساس وحی او در خلقت، وجدان و مشیت اوست. او آن را از یک انسان آفرید، و این اشاره‌ای به آدم است، هر ملتی از بشر که بر روی زمین، روی زمین، زندگی کنند، و دوره‌های زمانی و مرزهای محل سکونت خود را تعیین کرده باشند. خداوند، در مشیت خود، قومیت‌ها، جابجایی‌های مردم تأسیس ملت‌ها و کشورها و غیره را هدایت کرد، و هدف این است که آنها باید خدا را جستجو کنند، و شاید راه خود را به سوی او پیدا کنند.

و سپس او از نویسندگان خودشان نقل قول می‌کند که می‌گوید او قریب‌الوقوع است و ما مخلوقات او هستیم و البته، او دوباره، او با نکوهش بت‌پرستی شروع و پایان می‌دهد، و سپس مسیح و رستاخیز را موعظه می‌کند، و این آنها را به هیجان می‌آورد.

یک بار دیگر، من از الگوی خواندن برخی یادداشت‌ها پیروی می‌کنم. در همان متن. در اعمال رسولان ۱۷، پولس خطاب به آتی‌ها می‌گوید و متوجه می‌شود که در میان بت‌های بی‌شمارشان، من گزارشی از هزاران بت دیده‌ام، همانطور که در خیابان قدم می‌زنید، محرابی برای خدای ناشناخته است.

اکهارت اشناپل، محقق عهد جدید، دو جلد کتاب بزرگ در مورد سفرهای تبلیغی پولس دارد و تمام بت‌های موجود در هر شهر را فهرست‌بندی کرده است. این یک اثر پژوهشی شگفت‌انگیز است. او، واقعاً شگفت‌انگیز است.

تعدادشان. بعضی‌هایشان پورنوگرافیک بودند. او، دقیقاً در تار و پود زندگی تنیده شده بودند.

بنابراین، اساساً، هر فردی در امپراتوری روم بت‌پرست بود. در غیر این صورت، شما شهروند خوبی محسوب نمی‌شدید. او، بنابراین تسالونیکیان از بت‌ها به خدا روی آوردند تا به خدای زنده و حقیقی خدمت کنند.

جای تعجب نیست که آنها مورد آزار و اذیت قرار گرفتند. به هر حال، در میان بت‌های بی‌شمار آنها قربانگاهی برای خدای ناشناخته وجود دارد. پولس خدای زنده و حقیقی را که آنها از او بی‌خبرند، به آنها معرفی می‌کند.

آیه ۲۳، اعمال رسولان ۱۷. خدایی که جهان و هر آنچه در آن است را آفرید. او پروردگار آسمان و زمین است و بنابراین، نمی‌تواند در یک معبد محصور شود.

مخلوقات او نمی‌توانند او را کنترل یا دستکاری کنند، زیرا او خود به همه حیات و نفس و همه چیز می‌بخشد. اعمال رسولان ۱۷:۲۴، ۲۵. خدا نه تنها خالق همه چیز است؛ بلکه خلقت خود، از جمله بشریت، از جمله بشریت را نیز حفظ می‌کند.

فیض عام او، خیرخواهی و مهربانی او نسبت به نجات‌یافتگان و نجات‌یافتگان، ما را با حیات، نفس و همه هدایای خوب برکت می‌دهد. یعقوب ۱، هر هدیه خوب و کامل از خالق نورها نازل می‌شود. پدر نورها.

که از خدا به عنوان خالق کرات آسمانی صحبت می‌کند. پولس با پیروی از قدرت پیدایش ۱، از خلقت آسمان‌ها و زمین به خلقت مردان و زنان می‌پردازد. بشریت یکی است زیرا همه از اولین انسان خدا، آدم سرچشمه گرفته‌اند.

خداوند برای انسان‌ها، به طور کلی، نقشه‌هایی دارد تا زمین را مطیع و از آن مراقبت کنند. او همچنین برای هر ملتی نقشه‌های خاصی دارد. او زمان‌ها و مرزهای محل زندگی آنها را تعیین می‌کند.

اعمال رسولان ۱۷:۲۶. به هدف خدا از این نقل قول توجه کنید، اینکه آنها خدا را جستجو کنند و شاید بتوانند او را بیابند. نقل قول را با آیه ۲۷ ببندید.

خداوند انسان‌ها را به شناخت خود وامی‌دارد و او به همه ما نزدیک است. در واقع، ما برای زندگی به او وابسته‌ایم، چه متوجه باشیم چه نباشیم. آیات ۲۷ و ۲۸

خداوند خود را در نظم مشیت الهی خود در زمان‌ها و مکان‌های ملت آشکار می‌کند تا آنها بتوانند او را جستجو و پیدا کنند. این پایان تفسیر و بررسی ما از وحی عمومی خداوند در خلقت، وجدان و مشیت الهی است. در سخنرانی بعدی خود، الهیات وحی عمومی را دنبال خواهیم کرد و سعی خواهیم کرد برخی از این موارد را گرد هم آوریم، از جمله تلاش برای پاسخ به سؤالاتی مانند اینکه آیا شخصی می‌تواند از طریق این وسیله نجات یابد؟ و اگر نه، رابطه این وحی عمومی با کار تبلیغی مسیحی چیست؟ سؤالات مهمی هستند. مشیت الهی، اعمال رسولان فصل ۱۴، آیات ۱۴ تا ۱۸، و فصل ۱۷، آیات ۲۲ تا ۲۹.

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد مکاشفه و کتاب مقدس. این جلسه ۸، مکاشفه عمومی درونی، رومیان ۱۲:۲-۱۶ و جامعه ۱۱:۳ است. مکاشفه عمومی در مشیت الهی، اعمال رسولان و ۱۷:۲۲-۲۹-۱۸-۱۴:۱۴.